



BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMEMNT
Volume No.: 3, Issue No.: 51, Jun 2024
P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801

Examining the social situation and issues of children and adolescents

Abstract:

Children and teenagers are especially important as family members. Currently, in all societies, the traditional concepts about family life, work, identity, relationships of individuals, groups with each other have been transformed due to globalization forces. The purpose of conducting this research; Investigating the social situation and issues of children and teenagers. This research was conducted in a qualitative and library manner and various articles and books were used in this research. As a result, it can be stated that; In order to examine the nature of contemporary social changes, it is necessary to examine the process of globalization by highlighting the dynamic and complex relationships between youth, governments, and transnational institutions. This process has caused rapid and unprecedented changes in all levels of social life. As the flow of capital, goods, people and ideas accelerates. These processes change the basic concepts about the different roles of young people in the family and society, gender norms and the formation of identities.

Keywords: Social status, children; Youth

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی وضعیت اجتماعی و مسایل کودکان و نوجوانان

سید حسین فاطمی^۱

چکیده:

کودکان و نوجوانان به عنوان اعضای خانواده در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در حال حاضر، در همه جوامع مفاهیم سنتی درباره زندگی خانوادگی، کار، هویت، روابط افراد، گروه‌ها با یکدیگر به دلیل نیروهای جهانی‌ساز، دگرگون شده است. هدف از انجام این تحقیق؛ بررسی وضعیت اجتماعی و مسایل کودکان و نوجوانان، بود. این تحقیق بصورت کیفی و کتابخانه ای صورت گرفته و از مقالات و کتب مختلف در انجام این تحقیق بهره گرفته شده است. در نتیجه می توان بیان نمود که؛ به دلیل بررسی ماهیت تغییرات اجتماعی معاصر لازم است که فرآیند جهانی شدن را با برجسته ساختن روابط پویا و پیچیده بین جوانان، دولت‌ها و نهادهای فراملی مورد بررسی قرار داد. این فرآیند موجب تغییرات سریع و بی‌سابقه در تمامی سطوح زندگی اجتماعی شده است. همچنان که جریان سرمایه، کالاها، مردم و ایده‌ها شتاب می‌گیرد. این فرآیندها مفاهیم اساسی در مورد نقش‌های متفاوت جوانان در خانواده و اجتماع و هنجارهای جنسیتی و شکل‌گیری هویت‌ها را دگرگون می‌سازند.

کلید واژه‌ها: وضعیت اجتماعی، کودکان؛ نوجوانان.

مقدمه:

امروزه گسترش نظام شهرنشینی و پیچیده شدن هر چه بیشتر روابط در قالب نقشهای متعدد باعث شده است تا مسئولیت پذیری اجتماعی، به یک موضوع جامعه شناختی مهم تبدیل گردد. موضوعی که در حوزه های گوناگون؛ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جامعه ای و زیست محیطی قابل توجه و بررسی است مسئولیت پذیری اجتماعی بیانگر احساس و عملی است که افراد در چارچوب موقعیت و نقشهای خود به طور آگاهانه و آزادانه نسبت به امور گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره از خود بروز می دهند. این مفهوم که به تعهد، وظیفه و تعلق افراد و گروه‌ها اشاره دارد، مورد توجه محققان علوم اجتماعی می باشد. در حال حاضر پدیده جهانی شدن در علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است و ابعاد مثبت و منفی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. جهانی شدن یک رشته از فرآیندهای نیرومندی است که فرصت‌ها و تهدیداتی را به همراه دارند. این فرآیندها نیرو محرکه بسیار مهمی هستند که به طور اساسی، نظم اجتماعی در سراسر دنیا را بازسازی می‌کنند. در مرکز این تغییرات، خانواده‌ها قرار دارند. با توسعه روند جهانی شدن و قابلیت تداوم پذیری مرزهای جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی همراه با رشد فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، مسایل پیچیده و چالش آفرین جوانان نیز به پدیده ای عام جهانی تبدیل شده است (نادری و همکاران، 1390). وجود مسایلی مانند بیکاری، فقر، افزایش رقابت برای یافتن فرصت های شغلی، بلا تکلیفی و تردید درباره آینده، بی اعتمادی، سردرگمی در بیشتر کشورهای جهان امکان آندیشیدن مناسب در خصوص واقعیات زندگی جوانان امروز را پدید آورده است (شیانی و محمدی، 1391). جوانان، سرمایه های انسانی اصلی برای اهداف توسعه ملی در کشورهای موسوم به جوامع در حال توسعه هستند و در عین حال از بزرگ ترین چالشهای پیش روی جوامع مذکور در جریان رشد و گذار به توسعه یافتگی محسوب می شوند (عسگری ندوشن، صباغچی، 1397). از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است و از لحظه تولد تا آخر عمر در اجتماع به سر می‌برد و پیوسته با انسان‌های دیگر در تعامل است، همواره باید یاد بگیرد چگونه در جمع زندگی و نیازهای خود را ارضا کند. برای این کار آموختن مهارت‌های اجتماعی لازم است. فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری این مهارت‌ها را فرامی‌گیرد و یادگیری درست آنها می‌تواند به شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر شود (بیزدان پناه، حکمت، 1393). مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است. نوعی احساس تعهد و پایبندی به دیگران، تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی که در ذهن فرد شکل گرفته است و بر رفتارهای او اثر می‌گذارد (بیزدان پناه، حکمت، 1393). به نظر کنراد و هایدن^۲ (1981) در مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد گرایش مسئولانه دارد، برای فعالیت به صورت مسئولانه احساس شایستگی می‌کند، درباره فعالیت مسئولیت‌پذیرانه خود را اثرگذار

hossein.fa.700@gmail.com

^۱ - کارشناس ارشد روانشناسی بالینی/ دانشگاه آزاد نایین

^۲ - Conrad and Hayden

احساس می‌کند و اعمال مسئولانه انجام می‌دهد. در جامعه‌های مختلف دوران جوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جامعه‌های گوناگون در پی آن هستند که خود را با زاد و ولد، باز تولید کنند و این امر میسر نمی‌شود؛ مگر آن که نوزادانی که به چشم به جهان می‌گشاید، به نحوی تربیت و رشد یابند که هویت جامعه را بازتولید کنند و ارزش‌ها و هنجاری فرهنگ حاکم بر جامعه را بازنمایی کنند. هر جامعه‌ای به شیوه‌ای مبتنی بر فرهنگ خاص خود، دوران کودکی و جوانی را تعریف می‌کند. این مرحله از زندگی انسان‌ها از اهمیت استراتژیک برخوردار است؛ زیرا بنیان اساسی برای جامعه‌پذیری افراد را دارد و عرصه‌ای است که همه گروه‌ها، اجتماعات هویت خودشان را در این عرصه بازتولید می‌کنند (نوری، 1397).

تعاملات بین فرهنگ‌های متفاوت دارای تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر روند شکل‌گیری هویت کودکان و جوانان هستند. این تعاملات است. بعضی تأثیرات به دلیل ارتباطات فناوری و تماس‌های میان اعضای جوامع با یکدیگر است و برخی از طریق نظام‌های آموزشی رخ می‌دهند. معمولاً نظام‌های آموزشی در کشورهای متفاوت در تلاشند تا از نظام‌های آموزشی کشورهای موفق و مناسب، الهام بگیرند و بعضاً برای آموزش جوانان‌شان نسخه‌برداری کنند. در این جا نیز به طور غیرمستقیم نظام‌های ارزشی و اطلاعات، از فرهنگی به فرهنگ دیگر انتقال می‌یابند. تمامی این موارد و بسیاری بیش از این‌ها به ما می‌گویند که فرآیند جهانی شدن دارای روابط بسیار نزدیک با دوران جوانی است و لازم است که این رابطه را به طور دقیق و در ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار داد (نوری، 1397). رفتار مسئولانه از شاخص‌های انسان سالم در هر جامعه، از جمله جامعه ایران با نسبت جمعیتی جوان، تلقی می‌شود و تقویت و رشد آن جز با شناسایی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین مسئله اصلی پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری با تأکید بر نقش خانواده، به‌خصوص شیوه فرزندپروری و ویژگی‌های اجتماعی نظیر میزان مشارکت و میزان اعتماد است. مسئولیت‌پذیری فرآیندی است که فرد باید از اولین سال‌های کودکی بیاموزد تا با وظایف پرشماری که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود مسئولانه برخورد کند. مسئولیت حاصل سه ویژگی تشخیص، تصمیم و خلاقیت است. بنابراین اشخاص مسئولیت‌پذیر باوجدان، مطمئن، جدی و احتمالاً مقرراتی هستند. پس بررسی عوامل مؤثر بر میزان مسئولیت‌پذیری ضرورت بسیار دارد و اهمیت مسئله حاضر را نمایان می‌کند. می‌نظر به مسئولیت در اختلا رسد محیط با اجتماعی تعهدات و پذیری اقتصادی / اجتماعی پیوند جدی دارد. این مسئله در اجتماعات با بافتهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و قومی غیرمتجانس بیشتر نمود می‌یابد. در این رابطه شهر همدان بر اساس ویژگیهای فرهنگی، قومیت بافت اقتصادی و اجتماعی غیرمتجانس، از این جهت قابل بررسی بیشتری است. تحقیقی که دانشمندان و نظریان در شهر همدان انجام داده اند، حکایت از کم رنگ بودن میزان مشارکت و توجه کم به حقوق شهروندی و به عبارتی مسئولیت پذیری اجتماعی از سوی شهروندان همدانی داشته است (طالبی، خوشبین، 1391). مسئولیت پذیری اجتماعی یکی از مهم ترین مؤلفه های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه مدنی است که در هر جامعه ای افراد و نهادهای دولتی و غیر دولتی با تأکید بر تبعیت از قوانین مدنی جامعه ، آموزه های ارزشی و هنجارهای مطابق با فرهنگ همان جامعه را از دوران کودکی به وسیله ارتباطات اجتماعی ، تعامل پذیری و کنش های متقابل اجتماعی رو در رو، به صورت های مستقیم و غیر مستقیم آموزش می دهند. بر همین اساس این فرایند منجر به توسعه پایدار جامعه می گردد. در واقع نهادهای اصلی و اولیه هر جامعه ای همچون خانواده ، آموزش، دین ، حکومت ، رسانه های همگانی سهم بسزایی در مطابقت و تربیت الگوهای مسئولیت پذیری افراد جامعه به صورت های مختلف دارند (اقدام پور، کشتی آرای، اسماعیلی، 1398).

نقش عاطفی و اخلاقی خانواده، مقام و موقعیت کودک در خانواده، خانواده و تربیت اجتماعی، خانواده و تربیت اخلاقی، نقش روانی و اجتماعی خانواده‌ها در برخورد با فرزندان، جو روانی - عاطفی خانواده، نقش خانواده بر رشد و تکامل استعداد، خانواده با کارکرد نامطلوب، انواع خانواده با کارکرد نامطلوب، مرزهای خانواده و فرزندان، درگیری و اصطکاک بین والدین، تغییر رفتار والدین نسبت به عملکرد فرزندان خود، ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده، دل‌بستگی مؤثر والدین و فرزندان، همدلی، ابعاد نحوه برخورد والدین و نوجوان و وجود دارد (سعادت، 1399). ابزار عواطف مثبت، پذیرش غیرمشروط، آسیب شناسی فرزند پروری، شیوه فرزند پروری از نظر بامریند، الگوهای جدید فرزند پروری بامریند، اقتدار منطقی، مردم سالار، دستور دهنده، استبدادی - آمرانه، غیراستبدادی آمرانه، غیر متعهد، محبت کافی، فرزند پروری از نظر شیفر، والدین با محبت و آزاد گذارنده، والدین با محبت و محدود کننده، والدین متخاصم و آزاد گذارنده، والدین متخاصم و محدود کننده، خصوصیات سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های فرزند پروری والدین، ویژگی های نحوه برخورد والدین و نوجوان می باشد.

تعریف کودک

به منظور دست یابی به تعریف کودک ، ابتدا باید آن را از حیث واژه شناسی معنا کرد : در زبان پارسی ، کودک در معنای کوچک ، به دختر و پسر می گویند که به حد بلوغ نرسیده باشند Infant یا Child رایج ترین واژه هایی هستند که در زبان انگلیسی درباره کودک استفاده می شود و منظور از آن کسی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده است . در زبان عربی هم به کودک ، صبی ، صغیر و طفل گفته می شود . در اصطلاح حقوقی ، کودک یا صغیر به کسی اطلاق می شود که از لحاظ سن به

نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. در تعیین مفهوم طفل، تبصره یک ماده 49، قانون سن مشخصی را برای تشخیص طفل در نظر نگرفته و بلوغ شرعی را مرز میان کودکی و کبر دانسته است .

دوران کودکی

وجه اشتراک هر سه تعریف بالا در پایان دوران کودکی است که همان بلوغ طبیعی می باشد . رسیدن کودک به این مرحله از حیات خود ، در نقاط مختلف جهان یکسان نیست ؛ عوامل متعددی چون وراثت و عوامل ژنتیکی ، چگونگی زیست و تغذیه و فاکتورهای محیطی تاثیر مستقیم در زندگی کودک داشته و می تواند منجر به بلوغ زودرس یا دیر هنگام کودک شود . چون کودکان در سن یکسانی به مرحله بلوغ نمی رسند ، لذا حقوق دانان در تعیین سن معینی ، به عنوان سن بلوغ کودکان با مشکل مواجه شده اند ، لذا برای رفع این مشکل در اغلب کشورهای جهان ، سن معینی را برای کودکان به عنوان زمان بلوغ مفروض می دارند . در قانون مدنی ایران لحظه تولد ، شروع دوران کودکی و در دختران با رسیدن به سن 9 سال تمام قمری و در پسران در سن 15 سال تمام قمری به پایان می رسد . بنابراین از نظر قانون مدنی ، دختری که 9 سال تمام قمری و پسری که 15 سال تمام قمری دارد بالغ محسوب می گردد و می تواند همچون فردی بزرگسال کلیه معاملات و و اعمال حقوقی را انجام داده و از این سن **مسئولیت کیفری** آن ها شروع می شود . ولی سن مذکور در کلیه امور حقوقی و سیاسی (سن ازدواج ، تملک مالی و ...) یکسان نبوده و در واقع قانون گذار با توجه به قوه درک و تمیز کودک و اهمیت اقدام و عملی که باید انجام دهد سن معینی را مشخص نموده که در واقع پایان کودکی در آن مسایل خاص می باشد . این مغایرت های قانونی نشان می دهد که در قوانین ایران هنوز سن واحدی برای تشخیص کودک وجود ندارد . پس از تصویب کنوانسیون حقوق کودک ، حداکثر سن برای کودکان به 18 سال افزایش یافته است . طبق ماده 1 پیمان نامه حاضر ، منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از 18 سال است ، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک ، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد .

نوجوانی

نوجوانی مقوله ای بسیار پیچیده و جنجال برانگیز است که مباحث متعدد و گسترده ای درباره آن مطرح شده است در این بخش به توضیح کوتاهی از نوجوانی و خصوصیات ویژه آن پرداخته می شود. دوره نوجوانی ، دوره ای حد فاصل میان کودکی و بزرگسالی است و طول مدت آن در جوامع گوناگون یکسان نیست . بنابراین دوره نوجوانی از 12 تا 18 سالگی و از 18 تا 21 سالگی به درازا می کشد . برخی دیگر از اندیشمندان در خصوص تعریف نوجوانی آن را دوره ای می دانند که حدود سنی آن 18 - 12 سالگی می باشد و مرحله انتقال از دوره طفولیت به دوره نوجوانی است . همچنین نوایی نژاد ، به ویژگی رشد از جنبه های متفاوت در دوره جوانی توجه نموده و بیان می دارد: "نوجوانی به معنای رشد کردن و یا رشد تا رسیدگی است منظور از رشد و رسیدگی نه تنها رشد جسمانی بلکه رشد روانی و اجتماعی را نیز شامل می شود". لارنس اشتینبرگ معتقد است که برخی از پژوهشگران مرز نوجوانی را 13 تا 19 سالگی می دانند . اما او نوجوانی را دوره ای می داند که از حدود 10 سالگی آغاز و در اوان 20 سالگی خاتمه می یابد . شفرز دوره جوانی را به سه دوره تقسیم کرده است که اولین آن دوره 13 تا 18 سالگی (دوره بلوغ جنسی) که دوره جوانی به معنای محدود می باشد .

تئوری های نوجوانی

استانلی هال ، پدر روان شناسی بلوغ ، نوجوانی را توام با رنج، عشق و شورش علیه ارزش های بزرگسالان می داند . برجسته ترین نظریه او ، « طوفان و فشار »^[1] است . به اعتقاد او ، افراد در دوران نوجوانی دستخوش دگرگونی های چشمگیری می شوند که معمولا نوسان های پرشور عاطفی به دنبال دارد و دوره ای همراه با طوفان و تنش است. البرت بندورا ابراز می دارد که نوجوانی لزوما دوره ای از طوفان و فشار نیست زیرا تجربه های نوجوان صرفا به عواملی زیستی متکی نیست ، بلکه به محیط زندگی هم بستگی دارد (38) . همچنین کرت لوین در تئوری خود بیان می کند که نوجوان خود را گاهی به کودکی و گاهی به بزرگسالی متعلق می داند ، در صورتی که به طور کامل نه به این گروه و نه به آن گروه متعلق است . والدین ، آموزگاران و جامعه هم از وضع نامفهوم این گروه و تعریف واضحی برای آن در ابهام به سر می برند و هنگامی این احساس ابهام مشخص می گردد که با نوجوان گاهی به صورت کودک و گاهی به گونه بزرگسالان ، رفتار می کنند . در نتیجه مشکلات زمانی بروز می کند که رفتار کودکان آنان دیگر قابل قبول نیست و در همین حال گاهی اوقات رفتار بزرگسالی آنان هم جایز نمی باشد.

نظریه نوع دوستی متقابل: در روان شناسی اجتماعی این نظریه توضیح می دهد که چرا مردم به افرادی کمک می کنند که لزوماً آنها را نمی شناسند. نوع دوستی و بشردوستی تعهد طولانی مدت به رفاه دیگران و جامعه به طور کلی تعریف شده است (شوایت

و همکاران¹، 2005: 1). لئونارد برکویتز معتقد است هیچ کس به کمک دیگری نمی‌شتابد، مگر اینکه 1. ببیند یا بفهمد فردی نیازمند کمک است 2. موقعیت را برحسب نیاز به امداد فرد مصدوم تفسیر کند 3. و با تأکید بر نیاز مصدوم 4. معتقد است برحسب مسئولیتش 5. می‌تواند به او یاری رساند و 6. مصدوم را به جایی ببرد که کمک بیشتری به او برسانند (برکویتز²، 2008). دو نوع هنجار وجود دارد که به ایجاد روحیه امداد رسانی منجر می‌شود: الف) هنجار تعامل: در برخی حوادث مردم به دلیل پیش‌بینی بازگشت منصفانه امداد و کمک به خودشان در آتیه به یاری دیگران می‌شتابند. آنها گمان می‌کنند که کمک کردن ممکن است سود مادی در پی نداشته باشد، اما می‌تواند به تأیید گروهی یا دریافت پاداش اجتماعی منجر شود (همان: 484-485). ب) هنجار مسئولیت اجتماعی: بیشتر اوقات انسان‌ها نه به دلیل احتساب سود بازگشتی، که بر مبنای وجود هنجارهای مسئولیت‌بخش اجتماعی، به دیگران کمک می‌کنند. در برخی تحقیقات وقتی از سوژه‌ها پرسیده شد که چرا به یاری مصدومان شتافته‌اند، آنها گفتند فقط کاری را انجام داده‌اند که درست تشخیص داده‌اند. بیشتر آنها معتقدند کمکشان را هنجارهای اجتماعی تأیید می‌کند. در واقع سوژه‌های مزبور از هنجارهای اجتماعی مشوق امدادگری به مستمندان آگاه بودند (همان: 486). برکویتز (1968: 47-48) این نوع رفتار را که مطابق ایده‌آل‌های اجتماعی نیست و نسبتاً از طریق پاداش‌های پیش‌بینی‌پذیر تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد رفتار "مسئولیت‌پذیری" نامیدند. در برخی تحلیل‌های جامعه‌شناختی کمک‌رسانی و رفتار نوع‌دوستانه ارزشی نمادین تلقی می‌شود و از آنجاکه نوع‌دوستی منبعی برای اتکای مردم در جامعه به شمار می‌رود، بالنفسه ارزشی اجتماعی است (ذکائی، 1999: 18-20). این تفسیرها رفتارهای نیک‌خواهانه را با مفهوم شهروندی سرمایه اجتماعی مرتبط می‌کند. براساس نظریه شهروندی، رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتر مبتنی بر شناخت است. شهروندان نه تنها منافع خودشان را در نظر می‌گیرند، بلکه از عضویت در اجتماع وسیع‌تر آگاه‌اند. جامعه نوین مرکز تعامل روابط ارگانیکی به مفهوم دورکیمی است. در عین حال نوع‌دوستی شهروندان را به داشتن روابط با دیگر اعضا سوق می‌دهد و رفتار دگردوستانه شخصیت افراد را از حالت بسته خارج می‌کند و آنها را به منزله اعضای انتزاعی جامعه تغییر می‌دهد که فراتر از وابستگان نزدیک است (همان منبع).

نظریه یادگیری اجتماعی باندورا: نظریه یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری از طریق الگو، که برخی روان‌شناسان از جمله باندورا بر آن تأکید کرده‌اند، مبتنی بر این است که افراد چه بخواهند و چه نخواهند تحت تأثیر الگوهای مختلف قرار خواهند گرفت. بنابراین بهترین شیوه آموزش مسئولیت‌پذیری به افراد آن است که تا جایی که امکان دارد دیگران مهم از زمان طفولیت در کنار کودکان باشند، در بیان و رفتار به آنها نشان دهند که برای دیگران ارزش قائل‌اند، یا از ناراحتی دیگران رنج می‌برند، و بر رفتارها و نفس خود کنترل دارند. هرگاه آنها سرمشق خوبی از مسئولیت‌پذیری در نهادهای اجتماعی مانند خانواده یا مدرسه ارائه دهند و جوانان را به همکاری و مشارکت در تصمیم‌ها تشویق کنند و از انتقاد و بی‌احترامی بپرهیزند، زمینه مناسبی برای پرورش احساس مسئولیت فراهم می‌آید (یزدان پناه، حکمت، 1393). پس خانواده به مثابه میانجی در اجتماعی شدن طفل و هم‌نوایی عمیق او با هنجارهای اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. نخستین مرحله جامعه‌پذیری در خانواده به دو شکل مستقیم (آگاهانه) و غیرمستقیم (ناآگاهانه) صورت می‌گیرد. گونه نخست، از طریق آموزش اتفاق می‌افتد. در این شیوه، والدین آگاهانه با امر و نهی و آموزش، فرزندان خود را با ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌های اجتماعی و مذهبی و به طور کلی با فرهنگ آشنا می‌کنند و سپس با تشویق و تنبیه آنها به درونی‌ساختن این امور اقدام می‌کنند تا فرزندان هم‌نوا با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی و مذهبی رفتار کنند. اما در شیوه دوم، براساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار آموختنی است و نحوه یادگیری رفتار نیز براساس قوانین یادگیری مشاهده‌ای استوار است. براین اساس، جامعه‌پذیری به صورت ناآگاهانه (غیرمستقیم)، با سرمشق قراردادن و اقتباس رفتار، کردار و گفتار والدین و دیگر اعضای خانواده (مانند خواهر یا برادر) صورت می‌گیرد و بدون آنکه خود والدین متوجه باشند، فرزندان رفتار، گفتار و نگرش‌های اجتماعی آنها را به مثابه شیوه‌های رفتار و نگرش مطلوب و مناسب یاد می‌گیرند و به تدریج درونی می‌کنند (همان منبع). هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این نگرش‌ها، اعتقادات و رفتارهای والدین، که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه‌های فرزندپروری نمود پیدا می‌کند، عامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت و تثبیت ویژگی‌های اخلاقی فرزندان و هویت آنها قلمداد می‌شود. تحقیقات معاصر در باب شیوه‌های فرزندپروری از مطالعات باومریند درباره کودکان و خانواده‌های آنان نشئت گرفته است. در این مقاله چهار نوع شیوه و سبک فرزندپروری مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه به آنها اشاره می‌شود: الف) سبک رفتاری منسجم، صمیمی و پاسخگو: در این سبک رفتاری درباب مسائل مهم زندگی (مثلاً چگونگی تربیت فرزندان)، اختلاف نظری میان والدین وجود ندارد و والدین در تربیت فرزندان با هم هماهنگ‌اند و اعضای خانواده یار و یاور یکدیگرند. فرزندان هنگام برخورد با مشکل والدین خود را به منزله اولین مشاور ترجیح می‌دهند و مشورت میان اعضای خانواده ویژگی مهم این سبک رفتاری است. والدین درباره فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کنند و محیطی گرم و صمیمی برای پیشرفت و تکامل روحی و معنوی آنها فراهم می‌آورند. ارتباط بین

¹ - Schwait et al

² - Berkowitz

فرزندان و والدین گرم و صمیمی و متقابل است. فرزندان این خانواده احساس شادی می‌کنند. والدین این گونه خانواده‌ها ابهتی دارند که احترام‌برانگیز است.

ب) سبک رفتاری سهل‌گیر و بی‌اعتنا: در این سبک رفتاری اعضای خانواده کاری به کار یکدیگر ندارند و اجازه می‌دهند هرکس هرچه دوست دارد انجام دهد. والدین در انتخاب دوست برای فرزندان دخالتی ندارند و انتظار هم ندارند که فرزندان با آنها مشورت کنند. فرزندان هر نوع لباسی که دوست داشته باشند می‌پوشند. در انتخاب کارها و مشکلات راهنمایی کمی از سوی والدین دریافت می‌کنند و در کل فرزندان دارای آزادی بی‌حد و حصری در تمام زمینه‌ها هستند. ج) سبک رفتاری استبدادی: در این سبک رفتاری فرزندان و کوچک‌ترها وظیفه دارند بی‌چون‌وچرا به بزرگ‌ترها گوش دهند و مجری محض هستند. والدین قوانینی را طرح می‌کنند که توانایی فرزندان را مدنظر قرار نمی‌دهد و فرزندان باید این قوانین را بدون دانستن دلیل رعایت کنند. مشورت و گفت‌وگو و دیپلماسی در این خانواده‌ها جایی ندارد و حرف آخر همان حرف رئیس خانواده است. در این خانواده‌ها به فرزندان کم محبت می‌شود، تنبیه بدنی روش تربیتی به حساب می‌آید و فرزندان پیوسته در فشار هستند. د) سبک رفتاری طردکننده: در این سبک رفتاری اعضای خانواده به راه‌های گوناگون فرزندان را از خود دور می‌کنند. والدین خوبی‌های فرزندان خود را نمی‌بینند و با تعریف از خوبی‌های دیگران به او سرکوفت می‌زنند. طوری با فرزندان رفتار می‌شود که آنها احساس کنند سربار خانواده‌اند. اعضای خانواده فرزندان را از مشورت کردن در امور مربوط به خانواده ناتوان می‌بینند و هنگام اظهار نظر در باب مسائل زندگی از فرزندان می‌خواهند که در کار بزرگ‌ترها دخالت نکنند (محمدی، 1387: 53-51). سرمایه اجتماعی: اگر بخواهیم در مقوله سرمایه اجتماعی تفحص بیشتری به عمل آوریم، می‌توانیم آن را مفهومی تعریف کنیم که از سه جزء ترکیب شده است:

1. آگاهی یا دانش درباره مسائل اجتماعی (نوعی منش شناختاری)، آگاهی‌ای که موجب علاقه‌مندی و دل‌نگرانی است. 2. اعتماد به امنیت خود و دیگر افراد (نوعی منش هنجاری که مستلزم مقابله به مثل و رفتارهای غیرخودخواهانه است). 3. مشارکت در شبکه‌های رسمی و غیررسمی یا انجمن‌های مدنی که براساس فعالیت داوطلبانه افراد عمل می‌کنند. می‌توان نوعی ارتباط مستقیم و منطقی میان این سه جزء فرض کرد. به این معنا که اولی شرط لازم اما نه کافی برای دومی است و همین‌طور دومی برای سومی (تاجبخش، 1384: 249-250). از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی همه عناصر سرمایه اجتماعی را دربردارد. مشارکت اجتماعی مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده، عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (هلی، 2001: 2 به نقل از یزدان‌پناه، 1382). مشارکت اجتماعی شامل دو بخش است: 1. نهادی (رسمی) که دربرگیرنده مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوب‌ها (باشگاه‌ها) است و 2. مشارکت غیررسمی (فردی) که شامل درگیری‌های اتفاقی و پایدار می‌شود (یزدان‌پناه، 1382: 6). مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که افراد جامعه به شکل آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخصی، که به سهیم شدن در منابع قدرت می‌انجامد، انجام می‌دهند. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند (سفیری و صادقی، 1388: 5). مشارکت بیش از هر چیز دو هدف را دنبال می‌کند: الف) درگیری ذهنی و عاطفی: انسانی که مشارکت می‌کند خوددرگیر است و نه کاردرگیر. شماری از افراد درگیری در کار را به اشتباه به مشارکت واقعی تعبیر می‌کنند. اینان در حرکت‌های کالبدی مشارکت وارد می‌شوند و نه در چیز دیگر. ب) پذیرش مسئولیت: مشارکت باعث می‌شود افراد مسئولیت‌پذیر شوند و برای سازمانی که به آن وابستگی احساس می‌کنند تلاش لازم و کافی از خود نشان دهند. اصولاً برای اینکه مردم احساس مسئولیت کنند و خود را در مقابل امور و کارها مسئول بدانند باید آنان را در کارها شریک کرد. به عبارت دیگر، مردم باید در کار به خوددرگیری برسند، آن‌گاه مشارکت به آنان یاری می‌دهد تا "فرد-شهروندی" مسئول باشند و نه کارپردازی غیرمسئول با سرشت آدم‌واره‌ای (قلی‌زاده و امینی، 1381: 105-106). بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی آن نوع شایستگی است که ما را قادر می‌سازد مراقب تلاش کاری خود باشیم و در جهت علائق دیگران و گروه‌هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف، و نگرانی‌های ما قرار دارند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی عامل اتصال و پیوند جوامع و گروه‌های اجتماعی است.

پیشینه پژوهش:

امینی و همکاران (1392) در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه "کاشان دانشگاه دانشجویان پذیرش مسئولیت‌پذیری ارزیابی به‌پیداختند، نتایج این پژوهش نشان داد، بین میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان بر حسب جنسیت، تفاوت معنادار وجود ندارد، اما این تفاوت بر حسب رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی معنادار است و همچنین نتایج بیانگر این بود که دانشجویان تمایل دارند هر کاری را به بهترین نحو انجام دهند و به موقع تمام کنند؛ به قوانین دانشگاه پایبند و متعهدند و خود را در حفظ اموال عمومی دانشگاه مسئول می‌دانند. یزدان‌پناه و حکمت (1392) در پژوهشی تحت

عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری جوانان» به مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که احساس عزت نفس، شیوه فرزند پروری منسجم، صمیمی و پاسخگو، مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی، اعتماد اجتماعی بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و نهادی، جنسیت و پایگاه اقتصادی عوامل تأثیر گذار بر مسئولیت پذیری اجتماعی هستند. همچنین یافته های این پژوهش نشان می دهد بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مسئولیت پذیری اجتماعی رابطه ی معنادار وجود دارد به گونه ای که میزان مسئولیت پذیری اجتماعی در میان پاسخگویان با پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط بیشتر از پایگاه اقتصادی، اجتماعی بالا و پایین است. سامانتا هالمن¹، (2016) در پژوهشی به بررسی توسعه و ارزیابی مسئولیت پذیری اجتماعی و مدنی دانشجویان و دلایل اخلاقی آن پرداخت، نتایج نشان می دهد که دانشجویان باید درک درستی از تأثیرات انسانی، اجتماعی و زیست محیطی فعالیت هایشان داشته باشند و ابزار استدلال اخلاقی را برای تصمیم گیریهای مسئولانه و پایدار توسعه دهند. توسعه ی درک دانشجویان از لحاظ این ظرفیت ها شامل چهار بعد مهم می باشد، بعد دانش، مهارت، ارزش و عملکرد. مالیکی و همکاران² (2010: 27) در تحقیقی به بررسی رابطه ی بین مسئولیت پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی در ایالت بایلسا در نیجریه پرداخته اند. نتیجه نشان داد ابعاد گوناگون مسئولیت پذیری اجتماعی به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی مرتبط است. شویت و همکاران³ (2005) نیز در تحقیقی با عنوان «مسئولیت پذیری اجتماعی و بشردوستی» اعلام کردند ارزش مسئولیت پذیری اجتماعی در میان پروتستان ها، مشارکت کنندگان در فعالیت های کلیسا (با فراوانی بالاتر)، افراد متأهل، و افراد دارای تحصیلات عالی بیشتر است. مک کلور و همکاران⁴ (2010: 238) مدعی اند عزت نفس انعکاس کلی خودارزشمندی فرد است که باورهایی را درباره خود فرد و نیز پاسخ احساسی به آن باورها را در بر می گیرد. از نظر او عزت نفس تعیین کننده مهم بهداشت و رشد ذهنی جوانان است. مالیکی و همکاران⁵ (2010: 27) در تحقیقی به بررسی رابطه ی بین مسئولیت پذیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی در ایالت بایلسا در نیجریه پرداخته اند. نتیجه نشان داد ابعاد گوناگون مسئولیت پذیری اجتماعی به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی مرتبط است.

بحث و نتیجه گیری:

در سال های اخیر آموزش عالی به عنوان یکی از مهم ترین عناصر و نهادهای آموزشی در جوامع پیشرفته و کشورهای در حال توسعه نقش بسیار مهم و حیاتی در رشد و توسعه علوم، فناوری اطلاعات و ارتباطات ایفا نموده است. دانشگاه ها صرفاً فراهم کنندگان خدمات آموزشی و پژوهشی نیستند بلکه شکل دهنده هویت افراد مسئولیت پذیر نسبت به کشور خود و سایر کشورهای جهان نیز هستند. دانشگاه ها نقش مهمی را در ایجاد توانایی نسل آینده به منظور دست یابی به موفقیت، رویارویی با پدیده جهانی شدن و رشد اقتصادی و ساخت آینده ای پایدار برای مردم در سراسر جهان ایفا می کنند. در این راستا مسئولیت پذیری اجتماعی دانشجویان به موضوعی محوری و تأثیرگذار در مراکز آموزش عالی در قرن بیست و یکم تبدیل شده است (ستوپامیس و همکاران⁶، 2011). پرورش حس مسئولیت پذیری اجتماعی دانشجویان یک وظیفه ضروری برای تحصیلات دانشگاهی است. با پرورش حس مسئولیت پذیری اجتماعی دانشجویان، ما نه تنها دانشجویان را تشویق می کنیم که خودشان کارشان را انجام دهند بلکه آن ها را تشویق می کنیم تا به جامعه نیز خدمت کنند. آن ها می توانند به شایستگی های شناختی، ابتکار عمل و خود انضباطی مجهز شوند و در آینده مسئولیت های اجتماعی را به عهده بگیرند. نظام آموزش عالی از بزرگ ترین و گسترده ترین نظام های درون جامعه است که سرنوشت جامعه را در بلند مدت تعیین می کند، مجموعه پژوهش ها و تجربه های دانشمندان در کشورهای جهان نشان می دهد که توسعه ی جوامع رابطه ی بسیار نزدیکی با نظام آموزش عالی آن ها دارد. بنابراین نهادهای آموزش عالی نگاه راهبردی را در تصمیم سازی و تصمیم گیری ارزشمند می دانند. در واقع آموزش عالی به عنوان یک حوزه تخصصی دارای زیر سیستم ها و قلمروهای متعددی از جمله پژوهش، آموزش، مشاوره، ارزیابی برنامه های درسی پویا می باشد که ارتقاء آن نیازمند یک جهت گیری راهبردی و اتخاذ سیاست هایی مبتنی بر رشد و ارزشیابی متناسب با تحولات محیطی موجود و بهره گیری از آن می باشد (تیچلر⁷، 2015).

1-Samantha Hallman

2-Maliki et al

3-Schwait et al

4-McClure et al

5-Maliki et al

6 Stopamis et al

7 Tichler

مقایسه شیوه‌های فرزندپروری در میان افراد تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در خانواده‌های بیشتر ییوه فرزندپروری منسجم، صمیمی و پاسخگو رواج بیشتری نسبت به دیگر شیوه‌ها دارد و خانواده‌های کمی فرزندان خود را با شیوه‌های سهل‌گیر، مستبد یا طردکننده تربیت کرده‌اند. والدین طردکننده نیز فرزندان را از خود دور می‌کنند و مسئولیت‌های اندکی به آنها می‌سپارند، زیرا آنها را موجوداتی ضعیف و ناتوان می‌شمارند. بدین ترتیب فرزندان این خانواده‌ها از کودکی مسئولیت‌پذیری را نمی‌آموزند و در بزرگسالی نیز در اجتماع آن را به کار نمی‌بندند. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که خانواده به‌عنوان عاملی محیطی در نظریه شناختی-اجتماعی باندورا اهمیت دارد. در فرآیند یادگیری، کودکان از الگوهای رفتاری که خانواده در برابر آنها قرار می‌دهد، هنجارهای مناسب اجتماعی را می‌آموزند و به کار می‌بندند. بنابراین اگر والدین در برابر آنها رفتاری شایسته انجام دهند، کودکان نیز آن رفتار را تقلید و درونی می‌کنند. بنابراین لازم نیست والدین یا مربیان مستقیم به کودک بگویند که مسئولیت‌پذیری خوب است یا درباره مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی سخنرانی کنند، بلکه یکی از بهترین راه‌های آموزش مسئولیت‌پذیری درونی‌سازی آن با شیوه‌های تربیتی مناسب از سوی والدین و بزرگ‌ترهاست. در مجموع می‌توان گفت کاربرد شیوه منسجم، صمیمی و پاسخگو نسبت به دیگر شیوه‌های فرزندپروری بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرزندان اثر بیشتری دارد.

بر اساس نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی، زندگی در ساختار جامعه جدید و مدرن مستلزم عضویت و همکاری در شبکه‌های اجتماعی است که از افراد و گروه‌هایی با سلیقه‌های گوناگون تشکیل شده است. شخص باید از منافع شخصی و تشکلهای خویشاوندی و قومی خود فراتر برود و با دیدی وسیع‌تر تمام افراد جامعه را به‌منزله هم‌نوع بپذیرد و به آنها اعتماد داشته باشد. برای انجام فعالیت‌های عمومی و خیر جمعی تلاش کند و تعهد داشته باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی به‌طور کلی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبتی برقرار است. یافته‌ها نشان می‌دهد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میان پاسخگویان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط بیشتر از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین است. به نظر برکویتز (براساس تحقیق ویسکانسین¹) دانشجویان طبقه متوسط و بالا بیشتر براساس هنجار مسئولیت اجتماعی پاسخ می‌دهند و دانشجویان طبقه پایین اغلب براساس هنجار مقابله‌به‌مثل عمل می‌کنند. احساس عزت نفس، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی و غیررسمی در مجموع بیشترین تأثیر هم‌زمان را بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند. این شاید به این علت باشد که نهاد خانواده تأثیر مهمی بر آموزش هنجارهای مناسب اجتماعی به فرزندان دارد. طی دوران جامعه‌پذیری عوامل متعددی بر قبول مسئولیت در اجتماع یا نپذیرفتن آن در میان جوانان تأثیرگذارند که می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی نیز مانند احساس عزت نفس و مؤلفه‌هایی مثل اعتماد به دیگر مردمی که لزوماً خویشاوند نیستند و مشارکت در فعالیت‌های رسمی و غیررسمی اشاره کرد. در پایان، به دلیل اهمیت یافته‌های به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود، از آنجا که میزان مشارکت رسمی اغلب دانشجویان در سطح پایینی قرار دارد، لازم است توجه جوانان به فعالیت‌ها و خدمات داوطلبانه اجتماعی جلب شود. از جمله اینکه فضا سازی مناسب برای مشارکت فعالانه در سازمان‌های مردم‌نهاد ایجاد شود. این فضا سازی ابتدا از دوران کودکی در خانواده شروع می‌شود و در محیط‌های آموزشی پی گرفته می‌شود. برای تقویت میزان اعتماد اجتماعی عام و تعمیم یافته لازم است ضمن حفظ ارتباطات خویشاوندی به گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اقدام شود. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در تحقیقات گوناگون از آن غفلت شده و در مقاله حاضر نیز به دلیل گستردگی موضوع تحت بررسی قرار نگرفته است، بحث تأثیر رسانه‌های جمعی بر مسئولیت‌پذیری جوانان است. امروزه توجه به این بحث به دلیل شیوع استفاده از این نوع رسانه‌ها در میان جوانان حائز اهمیت است. توسعه جوامع رابطه بسیار نزدیکی با نظام‌های آموزش عالی آن دارد. از این رو آموزش عالی به عنوان اصلی‌ترین نهاد توسعه دهنده منابع انسانی تخصصی، در مسیر دست‌یابی به توسعه پایدار مبتنی بر ملاحظات جهانی شدن نقش حساسی را بر عهده دارد. از میان نهادهای مختلف آموزشی نقش نهاد آموزش عالی در ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان بسیار مؤثر و اساسی است. جملاتی از قبیل، به نظر من آموزش عالی نتوانسته کارش را خوب انجام دهد، درست است که دانشگاهها افراد متخصص زیادی تربیت کرده‌اند اما در خصوص جامعه پذیر کردن افراد خوب عمل نکرده‌اند، مفهوم انسانیت در محتوای کتابهای درسی دانشگاهی کمتر به چشم می‌خورد، در آموزش عالی به یک سری سر فصل‌ها خصوصاً دروس تخصصی بیشتر توجه می‌شود و به همان اندازه به دروس عمومی توجه نمی‌شود و یا کمتر توجه می‌شود. به همین خاطر است که بعضاً فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها تعهد کمتری نسبت به مفاهیم اجتماعی و انسانی در خود احساس می‌کنند، به نظر این ضعف در آموزش عالی دیده می‌شود که مهارت‌های زندگی و رفتارهای نوع دوستانه در محتوای دروس مغفول مانده است. نیاز امروز جامعه ما گسترش این مهارت‌ها در همه مقاطع تحصیلی است. نظرات مصاحبه‌شوندگان گویای این واقعیت است که نظام آموزش عالی با وجود نقش مؤثر اجتماعی نتوانسته تأثیر مناسبی بر ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان داشته باشد. **پیشنهادات پژوهشی:** - پیشنهاد می‌شود جهت ارتقای کیفیت زندگی جوانان به تصیلات دانشگاهی برای آنان توجه شود. - پیشنهاد می‌شود خانواده‌ها رفتارهایی همسو با افزایش عزت نفس و اعتماد بنفس جوانان داشته باشند. - پیشنهاد می‌شود آرامش روانی جوانان و نوجوان مورد توجه خانواده‌ها قرار گیرد. - پیشنهاد می‌شود سطح دانش و آگاهی جوانان افزایش پیدا کند.

¹ -Wisconsin

منابع:

- اقدام پور، کشتی آرای، اسماعیلی، (1398)، تجارب زیسته دانشجویان از مسئولیت پذیری اجتماعی در دانشگاه، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی سال 10، شماره 20، پاییز و زمستان 1398، صص-237-264.
- برکوویتز، لئونارد (2008) روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی‌اصل، چاپ دوم، تهران: اساطیر .
- شیانی، م. و محمدی، م.ع (1386)، "تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان"، فصلنامه رفاه اجتماعی، س 1 ش 41، صص 77-90.
- عسگری ندوشن، صباغچی، (1397)، ارزیابی نیازهای جوانان و اولویت‌های سیاستی مرتبط با آنان در شهر یزد با به‌کارگیری الگوی اهمیت - عملکرد، جامعه‌شناسی، کاربردی سال بیست و نهم، شماره پیاپی (7)، شماره دوم، تابستان 1397، صص 93-12.
- طالبی، خوشبین، (1391)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، دوره 19، شماره 59 زمستان 1391، صفحه 216-249.
- نوری، (1397)، کتاب جامعه‌شناسی جوانان؛ تحولات زندگی جوانان در روند جهانی شدن، انتشارات تیسرا.
- نادری، ح.ا.، جاهد، م.ع. و خدابخشی هفشجانی، (1390)، "سنجش چندبعدی احساس آنومی در بین جوانان"، مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، ش 41 صص 179-210.
- یزدان پناه، حکمت، (1393)، بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)، دوره 8، شماره 2، تابستان؛ 1393 صفحه 128-152.
- Schuyt, T. & Smit, j. & Bekkers, R. (2005), "Constructing a Philanthropy-scale: Social Responsibility and Philanthro